

تأثیر دیپلماسی عمومی ایران در لبنان بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

دکتر محمدجواد سبحانی فر*

مجید امیر عبداللهیان**

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۴/۲۲

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۸/۰۳

چکیده

سؤال اصلی پژوهش این است که دیپلماسی عمومی ایران در لبنان چه تأثیری بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران دارد. با توجه به فرضیه مبتنی بر «دیپلماسی عمومی ایران در لبنان تأثیر مستقیم بر قدرت جمهوری اسلامی ایران» دارد، هدف این مقاله ارزیابی مؤلفه‌های دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در لبنان و نیز واکاوی چالشها و آسبها و ارائه الگویی راهبردی و عملیاتی به منظور بهبود دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران و به تبع آن افزایش قدرت نرم آن است. در نهایت این پژوهش از طریق روش توصیفی-تحلیلی (پیمایشی) به این نتیجه رسید که دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در لبنان می‌تواند با توجه به اولویت ظرفیتهای ایدئولوژیک، ارزشهای سیاسی، ارزشهای فرهنگی و رسانه‌های جمعی سیاستگذاری شده و به تبع آن از طریق تقویت دیپلماسی سازمانهای مردم نهاد، تحکیم دیپلماسی چندوجهی، سیاست دولایه و چندلایه، دیپلماسی چندجانبه‌گرا و بین منطقه‌گرایی تقویت گردد.

کلیدواژه‌ها: دیپلماسی، دیپلماسی عمومی، قدرت نرم، قدرت نرم ایران، لبنان

* - دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)

** - دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات دفاعی استراتژیک

مقدمه

برخلاف دوران جنگ سرد، که اصلی‌ترین ابزارهای تولید قدرت و امنیت را قدرت نظامی تشکیل می‌داد، اکنون قدرت نرم و توانایی مدیریت افکار عمومی از مؤلفه‌های مهم قدرت در عرصه بین‌المللی به‌شمار می‌آید و مؤلفه‌های امنیت بین‌الملل را می‌توان در کنترل فضای روانی بازیگران بین‌المللی و مدیریت افکار عمومی دانست؛ لذا دیپلماسی عمومی به‌عنوان یک مؤلفه قدرت‌ساز، محور منافع ملی و راهبرد سیاست‌های بین‌المللی کشورها قرار گرفته است.

دیپلماسی عمومی صرفاً شیوه‌ای تبلیغاتی، نوعی روابط عمومی، روش ارتباطی یا بازاریابی نیست، بلکه می‌توان دیپلماسی عمومی را مجموعه‌ای از راهبردها و شیوه‌های جدید قدرت دانست که در خدمت دستگاه دیپلماسی کشوری می‌گیرد و مسئله اصلی این است که از چه طریق و با چه روشی می‌توان وجهه و تصویر یک کشور را در عرصه بین‌المللی بهبود بخشید و باورها و راهبردهای خود را به‌منظور افزایش نفوذ میان جوامع مختلف گسترش داد؛ لذا درک درست اینکه به صورت موازی به مسائل جنگ نرم می‌پردازد از اهمیت زیادی برخوردار است. جمهوری اسلامی ایران نیز، که در سی سال اخیر هدف جنگ سخت و نرم دشمنان بوده است، می‌تواند این راهبرد را در سیاستگذاری خود فعالتر سازد تا از طریق افزایش قدرت نرم خود جنگ نرم دشمن را خنثی کند و به همین دلیل برای درک بهتر اهمیت دیپلماسی عمومی، ضرورت دارد مبانی و ابعاد مفهومی آن مورد بررسی و تبیین قرار گیرد.

بیان مسئله

رویکرد نظام جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان قدرت و بازیگری با نفوذ در منطقه پرتحول غرب آسیا همواره مبتنی بر بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی در کشورها بر پایه آرمانهای انقلاب اسلامی، مورد توجه ملت‌های مظلوم، آزاده و حکومت‌های مستقل قرار گرفته است. ایران در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، توانست بخوبی از توان اطلاعاتی و ارتباطاتی رسانه‌ای، متناسب با امکانات آن زمان برای انتقال پیام انقلاب به مخاطبان خود کمک بگیرد و از ابزار قدرت نرم خود در منطقه و جهان بهره‌بردار؛ اما در موقعیت جدید و با توجه به تحولات منطقه‌ای، نوع و چگونگی بهره‌گیری از این ابزار می‌تواند تغییر کند. براین بنیان از یک سو به نظر می‌رسد، توان و جایگاه

جمهوری اسلامی ایران و ظرفیتهای بی بدیل آن در سطح منطقه و محیط بین الملل بسیار بیشتر از آن است که دستگاه سیاست خارجی و دیپلماسی اقدام می کند و اهمیت نقش دیپلماسی عمومی و تأثیر غیر قابل انکار آن به اندازه کافی در وزارت خارجه تبیین نشده و اقدامات پراکنده فعلی نیازمند برنامه ریزی منسجم و هدفمند است. به دلیل تأخیر و بی توجهی به دگردیسیها، الزامات و ضروریات پیش آمده از سوی کارگزاران سیاست خارجی نتایج مطلوبی به دست نیامده است؛ نگاه تک بعدی، پرداختن به فعالیت فرهنگی به جای دیپلماسی عمومی، اقدامات موازی دستگاههای مختلف، رایزنیهای ضعیف در کنسولگریها و نبودن ارتباط مناسب با نخبگان به عنوان هدایت کنندگان افکار عمومی در کشورهای جهان از جمله نکات منفی دستگاه دیپلماسی عمومی ایران است. در چنین بستری به منظور یافتن الگوهای رفتاری، نمودار حرکتی و آینده پژوهی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران، نیازمند بررسی کشور نمونه برای ارزیابی شاخصهای دیپلماسی عمومی هستیم که در این قالب از میان کشورها و ملتهای منطقه، لبنان به لحاظ موقعیت استراتژیکی در منطقه غرب آسیا انتخاب شد.

سؤالات پژوهش

سؤال اصلی

دیپلماسی عمومی ایران در لبنان بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران چه تأثیری دارد؟

سؤالیهای فرعی

- سؤال فرعی ۱: مؤلفه های فرهنگی ایران در لبنان بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران چه تأثیری می گذارد؟
- سؤال فرعی ۲: مؤلفه های سیاسی و اقتصادی در گسترش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در لبنان چه تأثیری دارد؟

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی

دیپلماسی عمومی ایران در لبنان بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران تأثیر مستقیم دارد.

فرضیه‌های فرعی

فرضیه فرعی ۱: به نظر می‌رسد مؤلفه‌های فرهنگی (ایدئولوژی، مبانی اعتقادی و مذهبی) نقش اساسی و تعیین‌کننده در موفقیت دیپلماسی عمومی ایران در لبنان و به تبع آن افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه دارد.

فرضیه فرعی ۲: به نظر می‌رسد مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی، نفوذ و دامنه محدودتری بر دیپلماسی عمومی و قدرت نرم ایران در لبنان دارد.

تعاریف عملیاتی

دیپلماسی عمومی: برقراری ارتباط هدایت شده و هدفمند با مردم هر کشور به منظور هدایت افکار عمومی است.

قدرت نرم: توانایی نفوذ بر دیگران و کسب نتایج مطلوب از طریق جذابیت و اقناع است.

دیپلماسی: دیپلماسی به معنای اداره روابط بین‌المللی با مأموران سیاسی با استفاده از ابزارهای مسالمت‌آمیز و گفتگو است.

ظرفیت ایدئولوژیک: ظرفیتهای ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران که نشأت گرفته از انقلاب اسلامی است، نوع نگرش و هستی‌شناسی ویژه‌ای است که مردم مسلمان ایران بر اساس آموزه‌های اسلام و آرمانهای انقلاب اسلامی به دست آورده‌اند.

ارزشهای سیاسی: ارزشهای سیاسی به باورها، ایستارها و ادراکات، باورها و دیدگاه‌های ملت ایران به سیاست، قدرت، جامعه و حکومت گفته می‌شود. با توجه به خاستگاه سه‌گانه ایرانی، اسلامی و مدرن، ارزشهای سیاسی ایران تجلی و تبلور ارزشهای ایرانی، اسلامی و مدرن در حوزه حکومت و سیاست است.

ارزشهای فرهنگی: فرهنگ به عنوان نظام باورها و معانی بین الازدهانی مشترک و کلیت واحد بر سیاست خارجی و دیپلماسی عمومی تأثیر می‌گذارد و ارزشهای فرهنگ دربرگیرنده فرهنگ اسلامی و ایرانی به صورت متغیرهایی همچون آداب و رسوم، سنتها، مذهب و دین، ویژگیهای اخلاقی و دستاوردهای فکری و هنری است.

روش‌شناسی پژوهش

نوع و روش تحقیق

این پژوهش، کاربردی است. روشی که برای این مطالعه انتخاب شده، روش توصیفی-تحلیلی (پیمایشی) است. در این روش پژوهشگران، داده‌ها را با استفاده از شاخص داده‌های توصیفی، خلاصه و طبقه‌بندی می‌کنند و سپس روابط علت و معلولی بین متغیرهای مستقل و وابسته را در چارچوب مدل‌های همبستگی با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS بررسی و تحلیل خواهند کرد.

ابزار گردآوری اطلاعات

در بخش توصیفی تحقیق عمدتاً از روش فیش برداری و در بخش میدانی تحقیق از پرسشنامه استفاده شده است. در بخش روشهای کمی از پرسشنامه، پیمایشی، آمارهای موجود، تحلیل محتوا برای امکان تعمیم یافته‌ها به جامعه آماری بزرگتر. و در بخش روشهای کیفی از مطالعه اسناد و متون، گزارشهای تحقیقی گذشته و یا در دست اقدام، پایگاه‌های آماری و اینترنت استفاده می‌شود.

پرسشنامه تحقیق از نوع بسته و در قالب پنج سطح مبتنی بر طبقه بندی لیکرت (خیلی زیاد ۵ امتیاز، زیاد ۴ امتیاز، تاحدودی ۳ امتیاز، کم ۲ امتیاز و خیلی کم ۱ امتیاز) تنظیم شده است. پرسشنامه از دو قسمت اصلی یعنی ویژگیهای فردی پاسخگویان و سؤالات اصلی تحقیق تشکیل شده که قسمت دوم یعنی سؤالات اصلی خود به سه قسمت سؤالات سیاسی، امنیتی و اقتصادی تقسیم شده است. در پایان کار در تجزیه و تحلیل نتایج از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

جامعه آماری، شیوه نمونه‌گیری و حجم نمونه

جامعه آماری این مطالعه عبارتند از: مدیران و مسئولان سیاسی، استادان و پژوهشگران حوزه سیاست خارجی و مطالعات خاورمیانه که تعداد آنها ۱۰۰۰ نفر هستند که با استفاده از فرمول کوکران ۲۲۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. نمونه‌برداری هم به روش تصادفی طبقه‌ای انجام شده است.

شیوه نمونه‌گیری: حجم نمونه با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی - طبقه‌بندی و متناسب با حجم جامعه انتخاب، و برای این تحقیق پرسشنامه تهیه، و به صورت تصادفی بین اعضای جامعه به تعداد حجم نمونه توزیع و جمع‌آوری شد.

در این تحقیق ابتدا پرسشنامه اولیه توسط محقق تهیه شد و پس از مشورت با استادان راهنما و مشاور، پرسشنامه در معرض قضاوت ۱۴ تن از صاحب‌نظران قرار گرفت که اکثریت قریب به اتفاق آنان (۱۲ نفر) پرسشنامه را برای تحقیق مناسب دانستند و دو نفر نیز نظر اصلاحی داشتند که در پرسشنامه اصلی اعمال شد؛ لذا روایی پرسشنامه، صوری، و در حدود ۹۰ درصد است. به منظور تعیین پایایی پرسشنامه از نرم‌افزار اس.پی.اس.اس و از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که نهایتاً عدد ۰/۸۷۲۸ به دست آمد که در حد خوب ارزیابی می‌شود.

مفاهیم پژوهش

۱. اهمیت و ضرورت دیپلماسی عمومی

ایجاد ارتباطات و نظام متقابل بر اساس تبادل مردم و عقاید، توصیه به تصمیم‌گیران در مسائل خارجی برای تقویت ارتباطات تأثیرگذار بر ملت‌های خارجی و روزنامه‌نگاران، استادان، نخبگان و سایر قشرهایی که در شکل‌گیری افکار عمومی مؤثرند از جمله اقداماتی است که در راستای حمایت از سیاست‌های دولتی باید انجام شود. دیپلماسی عمومی به دلایل متعدد، انقلاب ارتباطات، سازمان‌های غیر حکومتی، بازیگران تجاری و سایر بازیگران غیردولتی را شامل می‌شود. با هر تغییری در فناوری ارتباطی، اطلاعات براحتی در دسترس مردم قرار می‌گیرد. از طریق بهره‌برداری از این گونه فناوری، می‌توان افکار و ارزش‌ها را به شکل مناسبی در جهان تبلیغ کرد. هیچ کشور یا

ملتی در همان واحد جغرافیایی یا همان نوع ارتباط با ملتهای دیگر باقی نخواهد ماند. حاکمیتها دگرگون خواهد شد. تحولات، شتاب بیشتری خواهد داشت و دنیای ژئوپلیتیک ابهام‌آمیز تر و مفهوم کنترل ملی مطلق به موضوعی بی‌معنی تبدیل خواهد شد. بنابراین، برداشتها و اعتماد در رابطه مردم با ملتهای مختلف در درون یا بیرون از حاکمیت (کشور) بر تعادل یا عدم تعادل و ثبات یا بی‌ثباتی سامانه دولتی تأثیر زیادی خواهد داشت و نقش، اهمیت و جایگاه دیپلماسی عمومی افزایش خواهد یافت که به جای دولت، مردم را مخاطب قرار می‌دهد.

۲. مفهوم و کاربرد دیپلماسی عمومی

اگر بخواهیم به اصطلاحات رشته ارتباطات وفادار بمانیم، نباید فراموش کنیم که (شاید) برای نخستین بار، "آلنارد دوب" بود که در سال ۱۹۴۸ برای بیان شکل ویژه‌ای از ارتباطات از اصطلاح «شبه تبلیغات» استفاده کرد که هدف آن آماده‌سازی ذهن مخاطب برای پذیرش منویات آینده تبلیغات گر است.

«دیپلماسی عمومی» ترکیبی از سیاست خارجی کشورهای متعدد و هدف اصلی سیاست خارجی هر کشور است. در نتیجه دیپلماسی عمومی تحت تأثیر عوامل مختلفی است که اغلب اوقات ضد و نقیض یکدیگرند و در هر زمان تغییر می‌کند و نمی‌توان قواعد ثابتی برای آن وضع کرد (ستوده تهرانی، ۱۳۳۶: ۱).

دیپلماسی عمومی: دیپلماسی عمومی کارکردهای مهمی در جهان سیاست امروز به‌عنده دارد؛ به این معنا که تنها هدف بازسازی وجهه مثبت کشوری در میان مخاطبان نیست بلکه در برخی از موارد می‌توان حتی با دیپلماسی عمومی و مردمی، ملتی را بر ضد نظام حاکم و دولت خود شورانید و آنان را همراه سیاستهای کلان و حتی خرد خود کرد. این گونه است که ملتی تحت تأثیر دیپلماسی عمومی، خواهان هماهنگی دولت با دولت دیگری می‌شود که این گونه در میان مردم و ملت محبوبیت یافته است (www.moazeh.net).

دیپلماسی عمومی، مجموعه‌ای از استراتژی‌ها و شیوه‌های نوین سیاسی است که به اقتضای وضعیت کنونی حاکم بر نظام بین‌الملل در خدمت دستگاه سیاست خارجی کشور به منظور دستیابی به اهداف میان مدت و بلند مدت آن قرار می‌گیرد و سعی دارد در طول این مدت بر

محیط بین‌المللی بویژه بر افکار عمومی تأثیر مثبت بگذارد تا در پرتو این تصویر شایسته از خویش، دستیابی خود را به بسیاری از اهداف فرهنگی، سیاسی، معنوی، اقتصادی و حتی نظامی آسان سازد (آشنا، ۱۳۸۶: ۵۵).

بر این مینا دیپلماسی علم، هنر و یا توانایی اقناع طرف مقابل است و اگر این قدرت به مردم منتقل شود تا افکار و خواست آنان باعث پیشبرد اهداف کشور شود، می‌توان ادعا کرد که زمینه تحقق دیپلماسی عمومی آماده شده است. بنابراین دیپلماسی عمومی نه تنها دعوت افراد برای مشارکت در روند سیاسی است بلکه بالاتر از آن بستر و فرهنگ سازی برای آمادگی دخالت افکار عمومی در پیشبرد اهداف سیاسی اجتماعی کشور است که منحصر به سازمان نمی‌شود و این نیاز باید از سرچشمه بالاتری سیراب گردد؛ جایی که روند عمومی فرهنگ کشور را رصد می‌کند. دیپلماسی عمومی فکر است؛ نظریه پردازی است؛ فرهنگ سیاسی غالب برای بروز توانایی استفاده از قدرت نرم و زاویه دید به توانایی واقعی مردم در حل مشکلات است و نه هدایت و یا احیاناً استفاده ابزار از آنها. دیپلماسی عمومی با توجیه و توضیح پدیده‌ها فرق دارد و در سایه حرکت آزاد اطلاعات اتفاق می‌افتد نه اینکه اطلاعات بیات، پلاسیده و یا مصرف شده را تصفیه کند و به صورت قطره‌ای در معرض افکار عمومی قرار دهد (www.khabaronline.ir).

۳. قاعده اصلی دیپلماسی عمومی

آنچه بازیگر بین‌المللی می‌گوید چندان مؤثر نیست، بلکه آنچه انجام می‌دهد مهم است. تاریخ، بازیگران بین‌المللی زیادی را به چشم دیده است که دریافته‌اند بهترین دیپلماسی عمومی هم نمی‌تواند چاره‌ای برای سیاست بد باشد. از این رو، مهمترین حلقه اتصال در ساختار هر دیپلماسی عمومی آن است که پیونددهنده تحقیق به سیاستگذاری است و تضمین کننده آن است که تأثیر تصمیمات بازیگر بر افکار خارجی در جریان [تدوین و اجرای] سیاست خارجی مورد دقت نظر قرار می‌گیرد. هم‌چنین لازم است تمام عناصر دیپلماسی با عناصری که نقش آنها در عمل می‌تواند دیپلماسی عمومی تلقی شود، هماهنگ شود؛ مانند سازمان کشور در زمینه توسعه بین‌المللی. اگر در مورد سیاستهای کشور بخوبی اطلاع‌رسانی صورت نگیرد و یا این سیاستها با دیپلماسی عمومی هماهنگ نشده باشد، این امکان هست که سیاستهای خوب هم به «قدرت نرم» کشور کمکی نکند.

این همان سرنوشتی است که بعضی پروژه‌های کمک‌رسانی بریتانیا توسط وزارت توسعه بین‌المللی این کشور به آن دچار شده‌اند (جی کال، ۲۰۰۶: ۳۱).

۴. اهمیت و ضرورت قدرت نرم

به عقیده نای یک راه مهم برای کسب حمایت‌های بین‌المللی داشتن ارزش‌های سیاسی و فرهنگی و سیاست خارجه‌ای است که از نظر دیگر کشورها مشروع، و اعتبار اخلاقی داشته باشد. در واقع این بدین معناست که در عصر جهانی اطلاعات برای اعمال نفوذ بر دیگران به جای تکیه بر هویج و چماق، این توانایی کشور برای غلبه بر قلبها و ذهنهاست که دارای اهمیت تعیین‌کننده است. البته این مفهوم، که «بهترین حالت پیروزی، پیروزی بدون جنگ است»، جدید نیست. این ابداع نای - همانند مفهوم «سرمایه اجتماعی» متعلق به رابرت پوتنام - بنیادی را برای مباحثه هم برای سیاست‌گذاران و هم برای پژوهشگران رشته‌های مختلف ایجاد کرد. در واقع باید گفت که نظریه «قدرت فرهنگی» وی به‌عنوان جایگزینی برای قدرت اقتصادی و نظامی رواج گسترده‌ای را از زمان معرفی آن در واژگان سیاسی و دیپلماتیک پیدا کرده است. بر خلاف نظریه «برخورد تمدنها»ی هانتینگتون، که طوفانی از مجادلات را برانگیخت، «قدرت نرم» نای انتقادات نسبتاً معتدلی را بین سیاست‌گذاران و دانشمندان در پی داشت. بسیاری از شاغلان در زمینه سیاست، استفاده از این اصطلاح را در توصیف کار خود سودمند یافتند (یاسوشی و مک کانل، ۱۳۸۹: ۶۲-۶۱).

۵. مفهوم قدرت نرم

اگرچه قدرت نرم، مفهوم جدیدی است، قدمتی به اندازه تاریخ بشریت دارد. لائو تزو آن‌گاه که می‌گوید: «بهترین شکل برای رهبر زمانی نیست که دیگران از دستورش اطاعت کنند بلکه زمانی است که آشکارا بدانند وی وجود دارد» به‌طور ضمنی به قدرت نرم اشاره می‌کند (یاسوشی و مک کانل، ۱۳۸۹: ۴۸).

«قدرت نرم چیست؟» قدرت نرم، توانایی کسب «مطلوب» از طریق جاذبه است نه از طریق اجبار یا تطمیع. قدرت نرم از جاذبیت فرهنگ، افکار سیاسی (political ideals) و سیاست‌های

کشور ناشی می‌شود. وقتی سیاستهای ما از نظر دیگران مشروع و مورد قبول باشد، قدرت نرم ما افزایش می‌یابد (نای، ۱۳۸۹: ۲۴).

"جوزف نای" نظریه پرداز امریکایی نخستین بار قدرت نرم را بدین سان تعریف کرد: «قدرت نرم توانایی کسب چیزی است که می‌خواهیم؛ آن هم از طریق جذب، نه اجبار.» وی در ادامه می‌نویسد: این نوع قدرت می‌تواند از طریق روابط با متحدان، کمکهای اقتصادی و تبادلات فرهنگی به دست آید (بیکی، ۱۳۸۸: ۴۳).

از این دید، قدرت نرم بر توان شکل دادن به علائق دیگران تکیه دارد. در سطح مراودات فردی، همه ما با قدرت جذب، اغوا و شیفتگی دیگران آشنا هستیم. قدرت نرم دقیقاً همانند نفوذ نیست؛ زیرا نفوذ می‌تواند شامل قدرت سخت (تهدید) و یا پاداش نیز باشد، ولی قدرت نرم چیزی بیش از قانع کردن صرف یا توانایی حرکت دادن مردم از طریق استدلال است (لنون، ۱۳۸۸: ۴۳ و ۴۴).

به نظر نای قدرت نرم، جلب نمودن مردم به جای اجبار کردن آنها و اساس قدرت نرم بر ارزشها نهاده شده است؛ یعنی بر فرهنگ و چگونگی رفتار با هر کشور در سطح بین‌المللی. در واقع ایجاد حس مشروعیت برای اهداف بین‌المللی کشور است (بیکی، ۱۳۸۸: ۳۷).

نای در مقاله‌ای قدرت نرم را چنین تعریف می‌کند: «قدرت نرم، توانایی به دست آوردن چیزی است که می‌خواهیم با جذب و اقناع دیگران به منظور تحقق اهداف خود کسب کنیم. این نوع قدرت با قدرت سخت متفاوت است که در آن از توانایی خود برای وادار نمودن بقیه بهره می‌بریم. وی بحث می‌کند که هر دو قدرت در جنگ علیه تروریسم مهم است؛ اما جذب از اجبار بسیار ارزانتر است. جذب نیز به نوبه خود به قابل اعتماد بودن بستگی دارد» (نای، ۱۳۸۸: ۳۷).

من تعریفی از قدرت را انتخاب کردم که کاملاً به تعریف کاربردی و رایج در لغتنامه از قدرت نزدیک است؛ توانایی تأثیر بر دیگران برای دستیابی به نتایج مطلوب؛ از میان سه راه تأثیر بر رفتار دیگران - اجبار، ایجاد انگیزه و جذب کردن - من اصطلاح «قدرت نرم» را برای سومی [جذب کردن] مورد استفاده قرار دادم.

۶. قدرت نرم و سیاستهای دیپلماسی عمومی

قدرت نرم و دیپلماسی عمومی با یکدیگر ارتباط تنگاتنگی دارد. اگر حکومتی بخواهد قدرت نرم را در دیپلماسی عمومی به کار ببرد، باید از کنترل کردن مستقیم مراحل پرهیزد که شامل ذهنیت فردی است؛ نظیر انتقال منابع قدرت نرم و پذیرش آن توسط دریافت کننده؛ آنچه باید به جای این کار انجام دهد، متمرکز کردن تلاشهایش بر ایجاد محیطی است که افکار و فرهنگ آزادانه در آن از طریق بخش خصوصی ایجاد، و آزمایش بازار تعاملات بین انتقال دهنده و دریافت کننده به آسانی انجام شود. حکومت باید مردم و سازمانها را در زمینه‌ها و مراحل متنوع - مرحله‌ای که در انتقال قدرت نرم حکومت دخیل است - مرتبط کند و مکان‌هایی را برای مبادلات میان فرهنگی و میان فردی فراهم آورد تا تأثیرات سراسری قدرت نرم خود را از طریق تعامل همکارانه و تحریک دو طرفه تعقیب افزایش دهد. نتیجه طبیعی، فهمیدن این موضوع است که عملکرد قدرت نرم محور تعامل میان مشارکان یک شبکه است. ممکن است به نظر برسد که نقش حکومت تنها به عنوان آسان کننده و قطب شبکه، تأثیری محدود داشته باشد اما همین نقش، اهمیت زیادی در ساختار جدید روابط بین‌المللی خواهد داشت که شامل گستره‌ای از بازیگران مرتبط با یکدیگر به صورت افقی است (ياسوشی و مک کانل، ۱۳۸۹: ۱۴۹).

تحلیل مبانی نظری پژوهش

۱. قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

در برهه‌ای که اجماع علمی متفکران اجتماعی، آغاز دوره گذار از موج دوم تمدنی به «عصر اطلاعات» را در جهان توسعه یافته و گسترش مناسبات عقلانی را در جهان در حال توسعه نوید می‌داد و پایان عصر ایدئولوژی در «دهکده جهانی» به عنوان رویکرد جدید جهانی اعلام می‌شد به ناکاه به دنبال برخی تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، انقلابی شکوهمند در ایران به وقوع پیوست که جهانیان را به دلیل اتکا به قدرت نرم افزاری به شگفتی واداشت؛ چرا که با پیروزی این حرکت عظیم انقلابی، قدرت دینی و معنوی در معادلات سیاسی و تصمیم‌گیرهای جهانی نقشی تعیین کننده یافت و ارزشهای دینی و معنوی و فرهنگی از تأثیرگذاری عمده‌ای در مناسبات و روابط بین‌الملل و نیز تصمیمات جهانی و منطقه‌ای برخوردار شد. انقلاب اسلامی ایران به عنوان

انقلابی برای خدا و معنویت و ارزشها، نه تنها در اعتقادات اسلامی ریشه داشت بلکه محرک و هدف خود را در دین جستجو می کرد. اندیشه انقلاب اسلامی به عنوان نمونه‌ای تازه از نظام حکومتی در چشم‌انداز جهانی، که از سرچشمه زلال اسلام ناب نشأت گرفته بود، توانست در زمانی کوتاه مرزهای محدود جغرافیایی را درنوردد و پیام اصلی خود را، که مبارزه با ظلم و ستم و برپایی حکومتی عادلانه بود به دورترین نقاط جهان برساند. از دیگر سو، انقلاب اسلامی با شکستن انحصارگرایی در عرصه روابط بین‌الملل و برهم زدن معادلات جهانی و منطقه‌ای توانست اعتماد به نفس را در مسلمانان تقویت کند و با شالوده ریزی نظم بین‌الملل فارغ از سلطه قدرتهای استکباری بر اساس سیاست «نه شرقی نه غربی» بارقه امید را در دل میلیونها مسلمان و مستضعف جهان بیدار نگه دارد. استفاده از قدرت نرم به منظور نشان دادن مشروعیت سیاستهای انقلاب اسلامی را می‌توان چهره‌ای جدید از قدرت قلمداد کرد که دربرگیرنده مؤلفه‌های فرهنگی، ایدئولوژیک، سیاسی و فکری بوده است. ارزشهایی نظیر مردم سالاری دینی و کمکهای بشردوستانه به نهضت‌های رهایی بخش و ارتقای توانمندیهای علمی و فرهنگی کشور را می‌توان در زمره موارد اهتمام به قدرت نرم برشمرد. قدرت نرم از آنجا که به صورت آرام و تدریجی حرکت می‌کند از اثرگذاری بیشتر و مداومتری برخوردار است (دهشیری، ۱۳۸۵: ۶۵).

انقلاب اسلامی ایران را می‌توان تجلی تحقق قدرت نرم به معنای توانایی نفوذ در رفتار دیگران بدون تهدید و یا پرداخت هزینه محسوس به‌شمار آورد. انقلاب اسلامی از رهگذر تبیین اندیشه و آرمان عدالت خواهانه در صدد برآمد با روشهای غیر مستقیم به نتیجه دلخواه و مطلوب یعنی بیداری اسلامی دست یابد. تأیید ارزشهای انقلاب توسط جنبش‌های آزادی بخش، گسترش الگوی مردم سالاری دینی، استقبال ملت‌های مستضعف و افزایش اشتیاق آنان به نقش آفرینی جمهوری اسلامی در صحنه بین‌الملل، توان متقاعدسازی دیگر ملت‌های از زاویه توانایی شکل دادن به ترجیحات و اولویتهای آنان، جلب و جذب جهان اسلام به شخصیت رهبری، فرهنگ، ارزشها، ساختار سیاسی و اعتبار اخلاقی جمهوری اسلامی ایران و نیز بهره‌گیری از توان اطلاعاتی و ارتباطی رسانه‌های سنتی جایگاه قدرت نرم را در فرایند استقرار بنیان‌های انقلاب اسلامی ایران آشکار می‌سازد.

۲. منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

بدون شک منابع قدرت نرم در ایران اسلامی فراوان و قابل بهره‌برداری است که از مهمترین آنها می‌توان به ارزشهای دینی، قدرت سیاسی و دیپلماسی، مردم و انسجام و همبستگی، اشاره کرد و آنها را محور قرار داد. در عین حال منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی را می‌توان به شرح ذیل تبیین کرد:

- ویژگیهای فرهنگی - ملی ایرانیان
- ویژگیهای فرهنگی - دین ایرانیان
- جاذبه فرهنگی (عقاید، ارزشها و باورها)
- ایدئولوژی به‌عنوان وجه غالب هنجارهای بین‌المللی
- علاوه بر این عناصر، دیگر منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی عبارت است از:
 - ۱- دین اسلام و مذهب تشیع بویژه در ابعاد
 - ۲- قدرت معنوی و اخلاقی
 - ۳- توان و سابقه فکری، فرهنگی و تمدنی
 - ۴- قدرت علمی و فناوری در حال شکوفایی
 - ۵- استحکام داخلی و کارآمدی نظام
 - ۶- سرمایه اجتماعی
 - ۷- مردم‌سالاری دینی
 - ۸- قدرت بسیج‌کنندگی (توان ایجاد جنبش‌های اجتماعی)
 - ۹- ظرفیت مدیریت نرم‌افزاری تهدیدات و بحرانها
 - ۱۰- استقامت و پایداری بر اصول و ارزشهای اسلام ناب محمدی(ص)
 - ۱۱- ظلم‌ستیزی و دفاع از حقوق مظلومان و مستضعفان در جهان (تولایی، ۱۳۸۸: ۲)

۳. جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

در عصر اطلاعات و ارتباطات، که دولتها برای پیشبرد هرچه بهتر منافع ملی خود در قالب برنامه‌های طراحی شده به‌منظور برقراری ارتباط و تأثیر گذاری بر مخاطب عام و در چارچوب

دیپلماسی عمومی تلاش می‌کنند، انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان پدیده سیاسی پویا و رویدادی عمده در جهان توانست تغییر، تحول و دگرگونی عظیمی در کارکرد نظام بین‌المللی به‌وجود آورد. ایران اسلامی با توجه به پیشینه تمدنی، تاریخی، فرهنگی و دینی خود از منابع قدرت نرم مناسبی در مقایسه با بسیاری از کشورها برخوردار است. اگر نگاهی اجمالی به فراز و فرودهای تحولات سیاسی ایران انداخته شود به عینه مشخص می‌شود که جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر دیپلماسی عمومی اسلامی توانسته است تأثیرات مهمی را در جهان به همراه داشته باشد. نظام جمهوری اسلامی ایران در طول حیات سی ساله خویش بسیاری از ابزارهای مهم را در زمینه جذب افکار عمومی جهانی و اتخاذ دیپلماسی عمومی داشته است. بنابراین می‌توان گفت ایران در زمینه قدرت نرم از توان بسیاری برخوردار است (www.moazeh.net).

جمهوری اسلامی ایران با توجه به قدرت نرم خود از جمله کشورهایی است که توانایی بالقوه زیادی در جذب و تأثیرگذاری بر مخاطبان جهانی دارد. با این حال، هرچند گامهایی در این مسیر برداشته شده است، هنوز برنامه مدون و منسجمی در قالب دیپلماسی عمومی از سوی دستگاه سیاست خارجی تکوین نشده است. با توجه به اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و محدودیتها و موانعی که وجود دارد به نظر می‌رسد دستگاه دیپلماسی ایران برای کارآمدی بیشتر سیاست خارجی، نیازمند اتخاذ تدابیر و روشهای جدید در روابط خارجی خود است تا بتواند اهداف خود را بهتر محقق سازد. از این رو ضرورت دارد با در نظر گرفتن تواناییهای جمهوری اسلامی ایران، استراتژی مدونی برای دیپلماسی عمومی ارائه شود. این استراتژی باید شامل بهره‌گیری از تمام منابع قدرت نرم و طرح شیوه‌های مشخصی برای برقراری ارتباط با مخاطبان باشد. هم‌چنین الزامات دیپلماسی عمومی باعث می‌شود تا نهادی در قالب دستگاه سیاست خارجی، عهده دار تدوین و اجرای دیپلماسی عمومی باشد و سایر نهادها نقش مکمل را برای این نهاد به‌عهده داشته باشند (احدی، ۱۳۸۹: ۱۴۷).

به‌طور کلی عمده فعالیت‌های ایران در عرصه دیپلماسی عمومی توسط سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی سازماندهی و دنبال می‌شود و وزارت خارجه نقشی مکمل برای آن دارد. به نوشته پایگاه اینترنتی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، اولین بار فکر تشکیل این سازمان با طرح ادغام بخشهای فرهنگی و تبلیغی نهادها و مؤسسات دولتی و عمومی فعال در خارج از کشور

مطرح شد و پس از تدوین اساسنامه آن در شورایی متشکل از نخبگان و اندیشمندان فرهنگی و دینی و تصویب مقام معظم رهبری، عملاً کار خود را در قالب سازمانی مستقل و در زمره سازمانهای وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آغاز کرد. در بررسی اهداف و وظایف سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در ابتدا به این نکته بر می‌خوریم که تعداد زیادی وظایف و اهداف متعدد برای این سازمان تعریف شده و حجم و گستردگی آنها به حدی است که هر کدام می‌تواند برای روند کاری یک سازمان کافی باشد. هم‌چنین نقش نهادهای دیگر بویژه وزارت خارجه در روند کاری این سازمان مشخص نیست؛ از جمله این مسئله که نوع همکاری میان این سازمان و وزارت امور خارجه چگونه تعریف می‌شود و در عمل نهاد تصمیم‌گیرنده کدام است. از سوی دیگر، دیپلماسی فرهنگی به لحاظ قانونگذاری و نظارت نیز جایگاه مشخصی در دستگاه‌های رسمی کشور ندارد. هم‌چنین و در حالی که دیپلماسی فرهنگی بخشی از سیاست خارجی است، کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، مسائل آن را پیگیری می‌کند که به دلیل نوع نگاه این کمیسیون به روابط فرهنگی، اقدامات آن چندان در راستای برنامه‌های سیاست خارجی نیست. حتی به گفته برخی مسئولان کشور در حوزه دیپلماسی فرهنگی، تعدد مراکز تصمیم‌گیرنده و ناهماهنگی میان این مراکز عملاً مانع اتخاذ تصمیمات و برنامه‌های مؤثر است؛ حتی در زمینه روابط دانشگاهی نیز تعاملات به صورت دولتی باقی مانده است (داداندیش و احدی، ۱۳۸۹: ۱۵۸).

۴. لبنان و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

لبنان در ده‌های اخیر به عنوان یکی از کانونهای مهم منازعات خاورمیانه، همیشه در صدر اخبار رسانه‌ای و تحلیلهای سیاسی قرار داشته است. این کشور، که به عروس خاورمیانه مشهور است، گرچه وسعت جغرافیایی کمی دارد در مقابل از بافت جمعیتی چند پاره‌ای تشکیل شده است. مردم لبنان را گروه‌های نژادی و قومی گوناگونی تشکیل می‌دهند. یکی دیگر از ویژگیهای عروس خاورمیانه وجود کلکسیون‌های احزاب، گروه‌ها، جمعیت‌ها و فرقه‌ها در این کشور است به گونه‌ای که گفته می‌شود مابه‌ازای هر نحله فکری که در دنیا پدید آمده است در لبنان تشکلی وجود دارد. اهمیت لبنان موجب شده است همواره این کشور مورد طمع قدرتهای سلطه‌گر واقع شود. از این رو می‌توان لبنان را یکی از بزرگترین کانونهای بحران و منازعه در سطح بین‌المللی

دانست. در میان این دست اندازی و طمع ورزیها، لبنان بیش از پیش مورد تجاوز رژیم صهیونیستی واقع شده است. رژیم صهیونیستی به عنوان رژیمی نامشروع، که بقای خود را در جنایات جدید جستجو می کند، همواره در پی تجاوز به لبنان بوده است. اسرائیل به پشتوانه حمایت های بی دریغ کشورهای غربی به ویژه امریکا برای دستیابی به این هدف، سرمایه گذاریهای کلانی را انجام داده است. اما حضور گروهی همچون حزب الله لبنان تمام این تلاش های و سرمایه گذاریها را بی ثمر کرده است. این مسئله موجب شده است حزب الله به عنوان نیرویی برخاسته از مردم مسلمانان و شیعه لبنان از ویژگیهای خاصی برخوردار شود. حزب الله پس از اینکه در سال ۲۰۰۰ اشغالگران اسرائیلی را از جنوب لبنان بیرون راند، بیش از پیش نگاه ها را در عرصه جهانی به خود معطوف ساخت. حزب الله به این دلیل در کانون توجهات قرار گرفت که در کشوری که در آن صدها گروه مشغول فعالیت هستند به تنهایی توانست، رژیم صهیونیستی را که از حمایت های پیدا و پنهان نظام سلطه بویژه ایالات متحده برخوردار بوده و هست، زمینگیر و به عقب نشینی وادار کند (رهجو، ۱۳۹۰: ۲).

در پاسخ به این سؤال که چرا در کشوری مانند لبنان، که تمام افکار و عقاید دنیا در آن نماینده دارند، تنها حزب الله توانست چنین کار ویژه منحصر به فردی پیدا کند، باید به بررسی خاستگاه این گروه مبارز پرداخت. نگاهی ساده این نکته را روشن می کند که حزب الله لبنان، مولود انقلاب اسلامی ایران است. حزب الله دریانیه ای با عنوان "ما که هستیم و هویت ما چیست؟" که به مناسبت تأسیس این حزب منتشر کرد به این مسئله اشاره کرد و نوشت: ما فرزندان حزب الله هستیم که خداوند طلعه آن را در ایران به پیروزی رساند تا دوباره هسته اولیه دولت اسلامی را در جهان بر پا کند... ما در لبنان یک حزب تشکیلاتی بسته با چارچوب سیاسی گنگ نیستیم، بلکه امتی هستیم که از طریق کمربند اعتقادی و سیاسی نیرومندی به نام اسلام به مسلمانان سراسر جهان وابسته ایم. علاوه بر این بیانیه، رهبران حزب الله از بدو تأسیس بارها بر این مسئله تأکید کرده اند که جنبش حزب الله در لبنان تحت تأثیر انقلاب اسلامی در ایران شکل گرفته است. از سوی دیگر ایران همواره به عنوان تنها حامی جدی مقاومت اسلامی به طور کل و بویژه در لبنان بوده است. نابودی رژیم صهیونیستی و مقاومت در برابر این رژیم به عنوان یکی از اصلی ترین شعارهای انقلاب اسلامی از زمان شروع مبارزات تا به امروز مطرح بوده است. جمهوری اسلامی بارها حمایت خود

را از گروه‌های مقاومت اسلامی اعلام کرده و می‌کند. تأثیر بی‌نظیر حزب‌الله در عرصه لبنان را، که به رغم کارشکنی‌های متعدد گروه‌های غربگرای این کشور انجام می‌شود، می‌توان نشانه‌ای از قدرت نرم ایران دانست (تاجیک، دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲: ۳۴).

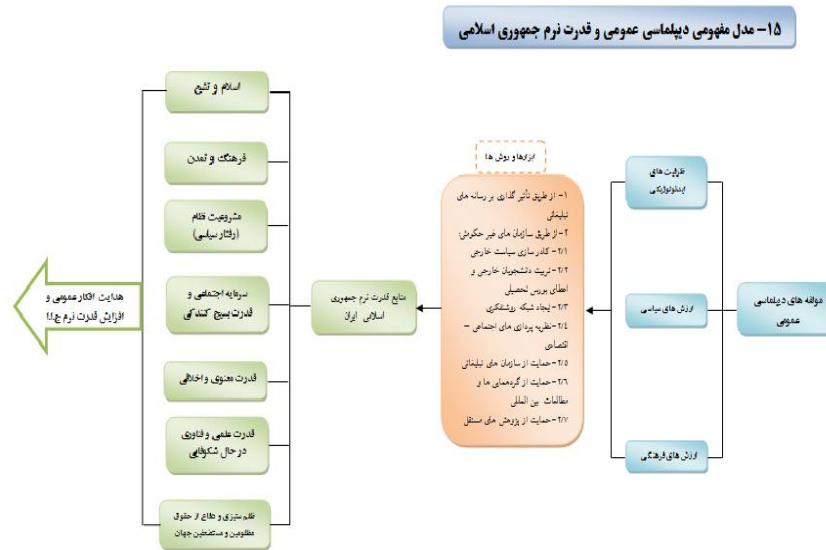
سفر رئیس‌جمهور ایران به لبنان و استقبال شگفت‌انگیز مردمی از وی بار دیگر این قدرت نرم را به عرصه نمایش گذاشت. سفر احمدی‌نژاد به لبنان در موقعیتی انجام می‌شد که رسانه‌های وابسته به نظام سلطه از مدتها پیش فضا سازی سنگینی را علیه وی و سفرش به لبنان آغاز کرده بودند؛ با وجود این مراسم استقبال لبنانی‌ها از احمدی‌نژاد به حدی باشکوه انجام شد که در تاریخ لبنان نظیری برای آن پیدا نمی‌شود. برپایی این استقبال با حضور خودجوش و داوطلبانه مردم از طوایف گوناگون قومی و مذهبی و آن هم در موقعیت تهدید و خطر، که هر لحظه احتمال فاجعه‌ای تروریستی از سوی عوامل وابسته به رژیم صهیونیستی یا تروریست‌های وابسته به القاعده وجود داشت، نه تنها نشانه قدرشناسی لبنانی‌ها از ایران اسلامی برای حمایت‌های بی‌دریغ از مقاومت و دفاع در برابر متجاوزان صهیونیست و تقویت مقاومت است، بلکه حاکی از ترویج و تعمیق ارزشهای معنوی فرهنگ انقلاب اسلامی در لبنان و الهام‌بخش بودن افکار و رفتار مردم و مسئولان نظام مقدس جمهوری اسلامی برای لبنان سربلند امروز است. در این میان برخی رسانه‌ها سعی می‌کنند که با ارائه برخی اخبار و تحلیلهای جهتدار این مسئله را لکه‌دار کنند. این رسانه‌ها تلاش می‌کنند دلیل استقبال مردم لبنان را از رئیس‌جمهور ایران در کمکهای اقتصادی جمهوری اسلامی به حزب‌الله خلاصه کنند (www.bashgah.net).

در پاسخ به این شبهه دو مسئله مطرح است:

اولاً استقبال کنندگان از رئیس‌جمهور اسلامی ایران تنها به شیعیان و نیروهای حزب‌الله خلاصه نشد؛ چرا که مردم و مسئولان لبنانی از گروه‌های مختلف به این مسئله اقدام کردند.

دوم اینکه؛ در صورت پذیرش فرض شبهه مبنی بر کمک مالی جمهوری اسلامی به لبنان، آیا این تنها جمهوری اسلامی است که در عرصه لبنان سرمایه‌گذاری پرداخته است. پاسخ روشن است. نگاهی به صحنه جاری لبنان نشان می‌دهد که سرمایه‌گذارهای کشورهای غربی بویژه آمریکا در لبنان بمراتب بیش از سرمایه‌گذاری جمهوری اسلامی در این کشور است. پس باید علت این

استقبال را در جای دیگر جستجو کرد که همان نفوذ معنوی و به عبارت دیگر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران است (www.kokabehedayatblogfa.com).



مدل مفهومی دیپلماسی عمومی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

از پیامدهای قدرت نرم ایران در لبنان این است که جنبش حزب الله به عنوان سپر دفاعی خارج از مرزهای ملی برای ایران به شمار می رود. حضور حزب الله لبنان و دیگر گروه های شیعی چون امل و گروه های مؤتلف سنی چون "جنبش توحید اسلامی" توان ایران را در پیشبرد اهداف منطقه ای و بین المللی افزایش می دهد و به تقویت متحدان منطقه ای همچون سوریه می انجامد. با تثبیت حزب الله در عرصه سیاسی لبنان و با حفظ ابزار مقاومت عرصه بازیگری و تأثیرگذاری ایران افزایش یافته و موجب ارتقای امنیت پیرامونی ایران می شود. از سوی دیگر از آنجا که اسرائیل اساسی ترین دشمن ایران به شمار می رود و رقیب ژئوپلیتیک و راهبردی ایران نیز هست، مقاومت حزب الله در لبنان در کنار گروه های مؤثر فلسطینی و در جنوب لبنان ضربه پذیری اسرائیل را

افزایش می‌دهد. از این رو نفوذ ایران در حزب الله و گروه‌های شیعی لبنان به ابزاری در جهت رفع تهدیدات منطقه‌ای در خاورمیانه و خلیج فارس تبدیل، و در واقع باعث افزایش قدرت هوشمند ایران در سطح بین‌الملل شده است آن‌گونه که باید اذعان کرد که حزب الله در لبنان خط مقدم امنیت ملی ایران خارج از مرزهای جغرافیایی آن است و بال‌امنیتی ایران در منطقه به شمار می‌آید. این مسئله در سالهای اخیر با لبنانی‌تر شدن حزب الله و عمیق‌تر شدن حضورش در صحنه سیاسی لبنان، که با تشویق ایران همراه بوده است، ظهور و جریان بیشتری یافته است (معراجی، ۱۳۸۹: ۲).

یافته‌های پژوهش

برای بررسی و ترتیب تأثیرگذاری متغیرهای مستقل (ارزشهای سیاسی و فرهنگی، ظرفیتهای ایدئولوژیکی، همکاری مراکز دینی و مذهبی و سفر مقامات سیاسی، همکاری مؤسسات و نخبگان علمی و تبادل دانشجو و استاد، همکاری رسانه‌های جمعی و همکاریهای گردشگری) بر متغیر وابسته (قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران) از مدل رگرسیونی استفاده شده که برای اساس این مدل ترتیب تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به شرح ذیل می‌باشد:

۱- ظرفیتهای ایدئولوژیکی ۲- همکاری رسانه‌های جمعی ۳- ارزشهای سیاسی و فرهنگی
۴- همکاری مراکز دینی و مذهبی و سفر مقامات سیاسی ۵- همکاری مؤسسات و نخبگان علمی و تبادل دانشجو و استاد ۶- همکاریهای گردشگری

هم‌چنین تأثیر تک‌تک متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته نیز جداگانه در مدل رگرسیونی مورد بررسی قرار گرفت که ترتیب اولویت تأثیرگذاری متغیرهای مستقل به شرح ذیل است:
مدل ذیل بررسی تأثیر تک‌تک متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته در واقع تأثیر دو به دو و ترتیب اولویت آنها است:

۱- ظرفیتهای ایدئولوژیکی ۲- ارزشهای سیاسی و فرهنگی ۳- همکاری رسانه‌های جمعی
۴- همکاری مراکز دینی و مذهبی و سفر مقامات سیاسی ۵- همکاری مؤسسات و نخبگان علمی و تبادل دانشجو و استاد ۶- همکاریهای گردشگری
آزمون تحلیل واریانس و رگرسیونی و ارتباط سطوح مدرک تحصیلی تکمیل‌کنندگان پرسشنامه برای مشخص شدن وجود تأثیر در دیدگاه سطوح مدرک تحصیلی و قدرت نرم ح.ا

ایران از آزمون تحلیل واریانس استفاده گردید که این آزمون نشان داد، بررسی سطوح مدرک تحصیلی تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته تفاوت معنی داری را نشان می دهد که بر اساس مدل رگرسیونی تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته و عامل مدرک تحصیلی بررسی انجام شد که نتایج آن به شرح ذیل است:

بر اساس دارندگان مدرک تحصیلی سطح کارشناسی پاسخگو به پرسشنامه ها ترتیب تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به شرح زیر است:

۱- همکاری رسانه های جمعی ۲- ظرفیتهای ایدئولوژیکی ۳- همکاری مراکز دینی و مذهبی و سفر مقامات سیاسی ۴- ارزشهای سیاسی و فرهنگی ۵- همکاری مؤسسات و نخبگان علمی و تبادل دانشجو و استاد ۶- همکاریهای گردشگری

- سطح کارشناسی ارشد:

۱- ظرفیتهای ایدئولوژیکی ۲- همکاری رسانه های جمعی ۳- ارزشهای سیاسی و فرهنگی ۴- همکاری مراکز دینی و مذهبی و سفر مقامات سیاسی ۵- همکاری مؤسسات و نخبگان علمی و تبادل دانشجو و استاد ۶- همکاریهای گردشگری

- سطح دکترا (Ph.D)

۱- ظرفیتهای ایدئولوژیکی ۲- ارزشهای سیاسی و فرهنگی ۳- همکاریهای گردشگری ۴- همکاری رسانه های جمعی ۵- همکاری مراکز دینی و مذهبی و سفر مقامات سیاسی ۶- همکاری مؤسسات و نخبگان علمی و تبادل دانشجو و استاد

در نهایت، ۲۲۰ پرسشنامه جمع آوری شده بر اساس نظر پاسخگویان و بر حسب سطوح مدرک تحصیلی، پراکندگی سنی و وضعیت جنسیت و مدل های رگرسیونی تأثیر همه متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به صورت کلی و هم چنین بر اساس عوامل «سطوح تحصیلی، پراکندگی سنی، وضعیت جنسیت» مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و سپس تأثیر تک تک متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته یعنی تأثیر یک متغیر مستقل بر متغیر وابسته به تفکیک مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که برای مدل های رگرسیونی ترتیب اولویت متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته بر اساس دو مدل تأثیر هم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته و نیز تأثیر تکی متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته به صورت زیر است که بر اساس عوامل سطوح مدرک تحصیلی، پراکندگی سنی و وضعیت

جنسیت نیز این اولویت تأثیر گذاری مورد تأیید قرار گرفت:

مدل رگرسیونی تأثیر همه متغیرهای مستقل با هم بر متغیر وابسته

- ۱- ظرفیتهای ایدئولوژیکی ۲- همکاری رسانه‌های جمعی ۳- ارزشهای سیاسی و فرهنگی
- ۴- همکاری مراکز دینی و مذهبی و سفر مقامات سیاسی ۵- همکاری مؤسسات و نخبگان علمی و تبادل دانشجو و استاد ۶- همکاریهای گردشگری

مدل رگرسیونی تأثیر تک تک متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته و مقایسه و ترتیب و

تأثیر گذاری آنها

- ۱- ظرفیتهای ایدئولوژیکی ۲- ارزشهای سیاسی و فرهنگی ۳- همکاری رسانه‌های جمعی
- ۴- همکاری مراکز دینی و مذهبی و سفر مقامات سیاسی ۵- همکاری مؤسسات و نخبگان علمی و تبادل دانشجو و استاد ۶- همکاریهای گردشگری

براساس مدل‌های رگرسیونی مختلف و در نظر گرفتن عوامل سطوح مدرک تحصیلی، پراکندگی سن و جنسیت پاسخگویان سه متغیر ۱- ظرفیتهای ایدئولوژیکی ۲- همکاری رسانه‌های جمعی ۳- ارزشهای سیاسی و فرهنگی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته داشته است.

با عنایت به اینکه ۷۵ درصد از پاسخگویان نمره بیش از ۷۰ از ۱۰۰ را به دیپلماسی عمومی ج.

ا. ایران در لبنان داده‌اند، می‌دهد که دیپلماسی عمومی ج. ا. ایران در لبنان تأثیر گذار بوده است

برایند مطالعات پیمایشی: در بررسی تأثیر همه متغیرها با هم بر متغیر قدرت نرم ج. ا. ایران

اولویت‌بندی به این شرح است:



در بررسی تک تک متغیرهای مستقل با متغیر قدرت نرم ج.ا. ایران اولویت بندی به شرح ذیل

است:



نتیجه گیری

بدون تردید دیپلماسی عمومی اثربخش مانند خیابانی یکطرفه است؛ علاوه بر سخن گفتن، گوش دادن را هم دربرمی گیرد. قدرت نرم نیز بر ارزشهای مشترک متکی است. بر این اساس، قدرت نرم، وادار کردن دیگران به خواستن آنچه مطلوب ما است و این امر نیز مستلزم این است که بدانیم چگونه پیام خود را به گوش آنان برسانیم. از اینرو، دیپلماسی عمومی اکنون دیگر موضوعی حاشیه‌ای نیست. البته حوزه‌های بسیاری در زمینه دیپلماسی عمومی هست که در آنها ارتباط با ملت‌های دیگر شاید حائز اهمیت نباشد اما اغراق نیست اگر گفته شود دیپلماسی عمومی همپای تحولات جهانی در حال رشد است.

در این میان جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر قدرت نرم باورها و اعتقادات مذهبی خود در عرصه سیاست خارجی به دنبال تبدیل شدن به قدرت منطقه ای است. مفهوم امت واحده اسلامی، بیداری اسلامی و مقاومت اسلامی از مفاهیمی بود که انقلاب اسلامی ایران به ادبیات سیاسی جهان وارد کرد. اگرچه مشکلات داخلی، جنگ تحمیلی و تحریم‌های اقتصادی دستیابی ایران را به اهداف عالی خود با مشکلاتی روبه‌رو کرده است، مانع ارتقا و توجه به مقوله قدرت نرم و دیپلماسی عمومی نشده است. هدف انقلاب اسلامی این بود که مردم منطقه در تعیین سرنوشت خود سهیم شوند. این تلاش‌ها بی نتیجه نبود و به نظر می‌رسد که جنبش و بیداری اسلامی در کشورهای اسلامی ناشی از تأثیر قدرت نرم حرکت ملت اسلامی ملت ایران باشد. در واقع آنچه دشمنان ایران را نگران می‌کند نه قدرت نظامی و نه قدرت اقتصادی ایران است بلکه نگرانی آنها، قدرت نرمی است که همان الهام بخشی و ارائه الگوی جدید برای اداره جامعه و حکومت است.

در لبنان نیز تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بیشتر روابط در چارچوب منابع مادی قدرت تعریف می‌شد، لکن انقلاب اسلامی نشان داد که انرژی، اقتصاد و جنگ افزار منبع روابط قدرت به شمار نمی‌رود و قدرتهای غیر ملموس نظیر دین، ایدئولوژی و ارتباطات منابع بزرگ و مهمی از دیپلماسی عمومی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهد.

دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در لبنان، که متشکل از الگوی چندبعدی و چند لایه همچون بهره‌گیری از ظرفیت ایدئولوژیکی، همکاری‌های رسانه‌ای، همکاری مراکز دینی و مذهبی، همکاری‌های مراکز علمی و تبادل دانشجو می‌شود که همکاری‌های گردشگری اگرچه از

- ظرفیت بسیاری برخوردار است به دلیل نبودن تفکری متمرکز و هدفدار تاکنون نتوانسته است کمک شایانی به دیپلماسی عمومی کشور بکند.
- با توجه به این موارد از مبانی نظری قدرت نرم و کارکرد دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در لبنان، پیشنهادها و راهکارهای زیر ارائه می‌شود:
- توجه ویژه به ظرفیتهای ایدئولوژیک و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با توجه به اثرگذار بودن آنها در دیپلماسی عمومی و فراهم نمودن بسترهای لازم به منظور گسترش و تعمیق آنها در جامعه هدف
 - زمینه‌سازی در خصوص تقویت و رشد مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با توجه ظرفیتهای بالقوه داخلی که در صورت به فعلیت رساندن آنها می‌توان شاهد شکوفایی و اثربخشی بیشتر این مؤلفه‌ها در عرصه سیاست خارجی بود.
 - غافل نشدن از دیگر مؤلفه‌های دیپلماسی عمومی همچون همکاریهای رسانه‌های جمعی، مراکز دینی و مذهبی به‌عنوان نماد پیونددهنده عنصر دینی و هم‌چنین سفر مقامات سیاسی- فرهنگی، همکاری مؤسسات علمی، تبادل دانشجو و استاد و در نهایت همکاریهای گردشگری به‌عنوان نماد همکاریهای اقتصادی در حوزه دیپلماسی عمومی دو کشور و فراهم کردن بستر لازم به منظور گسترش و تعمیق این مؤلفه‌ها
 - تدوین آیین نامه قانونی چگونگی تعامل میان سازمانهای دخیل در زمینه دیپلماسی عمومی برای بهینه‌سازی و اثربخشی تمام فعالیتهای دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور
 - تعریف جایگاه روابط فرهنگی کشور، نقش و کارکردهای سازمانی در این حوزه و متناسب‌سازی امکانات فیزیکی و نیروی انسانی
 - نوشتار نقشه جامع و سند ملی راهبردی در خصوص اداره روابط فرهنگی و دیپلماسی عمومی
 - ایجاد ثبات مدیریتی به منظور مدیریت دیپلماسی عمومی کشور
 - تخصصی شدن نیروی انسانی در حوزه دیپلماسی عمومی
 - تدوین استراتژیهای منطقه‌ای و تبیین اولویتهای مناطق مختلف جغرافیایی به منظور افزایش

بهره‌وری در فعالیتهای دیپلماسی عمومی متناسب با منافع و اهداف نظام جمهوری اسلامی

ایران

- لزوم توجه روزافزون به مخاطبان و نیازهای آنان و دسته‌بندی مخاطبان براساس نوع و سطح

نیاز آنان به اطلاعات و محصولات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

- تقویت دیپلماسی سازمانهای مردم نهاد: جمهوری اسلامی ایران به منظور تقویت اثرگذاری بر

دیگر کشورها، شکل‌دهی به ساختارها و تأثیر بر فرایندهای موجود باید بیش از پیش به

نهادهای غیرحکومتی، راه‌های غیررسمی و مناسبات و ارتباطات فرامرزی بها دهد تا با

همکاری و تعامل سازمانهای مردم نهاد، زمینه‌های تأثیرگذاری بر فرایندها و پویشهای

منطقه‌ای و بین‌المللی را فراهم سازد.

- تحکیم دیپلماسی چند وجهی: دست‌اندرکاران سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید

ضمن پرهیز از نگرش استعلایی سیاست به حوزه‌های فرهنگ، اجتماع و اقتصاد، ارتباطی

متوازن و همسنگ بین این حوزه‌ها برقرار سازند و ضمن پرهیز از نگرش صرفاً سیاسی به

سیاست خارجی، آن را براساس اتخاذ رویکردی انعطاف پذیر، تعاملی و تبادلی بویژه با

حوزه فرهنگ استوار سازند.

- مدیریت تصویر: با توجه به اهمیت روابط بین‌الذهانی در عصر کنونی و ضرورت بازسازی

روابط ذهن- عین به‌عنوان کلید درک عقلانی متقابل، دست‌اندرکاران دیپلماسی کشور باید

به مدیریت تصویر به منظور تبیین دیدگاه‌ها، رفع سوء تفاهمها، تصحیح و پالایش سوء

برداشتها و اصلاح چهره کشور در سیاست خارجی مبادرت ورزند و از رهگذر گفتگو نسبت

به اصلاح محیط ادراکی- روانشناختی نخبگان سیاسی بین‌المللی اهتمام ویژه‌ای مبذول دارند.

- به‌کارگیری سیاست مقیاس: دست‌اندرکاران دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران باید ضمن

ارتقای آستانه امنیت و تلاش برای غیرامنیتی کردن مسائل سیاست خارجی، نسبت به

جداسازی سطح بحران، تهدید و سیاستگذاری و برنامه‌ریزی درباره هر سطح و متناسب با

نوع و ماهیت آن اهتمام ویژه‌ای مبذول کنند.

- توسعه سیاستهای تکافل و حمایتگرانه: دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

شایسته است سیاستهای حمایتگرانه خود را در چارچوب دیپلماسی فرهنگی تکافل و با

بهره‌گیری از نهادهای غیردولتی به پیش برد و ضمن تأکید بر روابط میان ملتی و سهمیم کردن مؤسسات خیریه و غیرانتفاعی در تبلیغ عقاید و افکار، سیاستهای حمایتگرانه و اهداف آرمانی را در چارچوب غیررسمی و در راستای همکاریهای بین ملتی تعریف کند.

- تأکید بر سیاست دولایه و چندلایه: بر کارگزاران دیپلماسی جمهوری اسلامی است که به ارتقای تعاملات غیردولتی با دانشجویان، استادان و نخبگان اجتماعی - فرهنگی دیگر کشورها اهتمام ورزند و تقویت «مبادلات ردیف دوم»^۱ میان دانشگاهیان و تحلیلگران و صاحب‌نظران سیاسی در کنفرانسهای بین‌المللی را به منظور ارتقای مناسبات غیردولتی و بین‌ملتی در دستور سیاست خارجی قرار دهند.

- تأکید بر دیپلماسی چندجانبه‌گرا: با توجه به اهمیت نقش و جایگاه سازمانهای غیردولتی به‌عنوان بازیگران جدید در عرصه‌های فعالیتهای ملی و بین‌المللی و نقش فزاینده آنها در تأثیرگذاری بر فرایندها و عرصه‌های تصمیم‌گیری بین‌المللی و ارتقای تعامل میان فرهنگها و تمدنها و نظر به ضرورت نهادینه‌سازی رژیمها و هنجارهای بین‌المللی از جمله حاکمیت برابر دولت - ملتها از یک سو و اهمیت نهادهای بین‌المللی در ایجاد استاندارد رفتاری میان کشورها در عرصه بین‌المللی از سوی دیگر، استفاده از دیپلماسی کنفرانسی یا پارلمانی یا چندجانبه‌گرا در چارچوب نهادهای منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و بین‌المللی و اهتمام به بهره‌گیری از ظرفیت این نهادهای چندجانبه می‌تواند ظرفیتهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را ارتقا بخشد؛ چراکه این دیپلماسی بهتر می‌تواند توان امتیازگیری کشور را با برقراری پیوند موضوعی بین منافع ملی و هنجارهای چندجانبه به‌صورت متقابل تحقق بخشد.

فهرست منابع

۱. آشنا، حسام‌الدین و جعفری هفت‌خوانی، نادر (۱۳۸۶). «دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی: پیوندها و اهداف». *دوفصلنامه دانش سیاسی*. ش ۵.
۲. احدی، افسانه (۱۳۸۹). دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی. *پژوهش‌نامه*. تهران: انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۳. بیکی، مهدی (۱۳۸۸). *قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی لبنان)*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۴. تاجیک، محمدرضا و دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۲). «الگوهای صدور انقلاب در گفتمان‌های سیاست خارجی ایران». *فصلنامه راهبرد*. ش ۲۷، بهار.
۵. تاجیک، نصرت‌الله. جایگاه و شرایط تحقق دیپلماسی عمومی. *خبرآنلاین*؛ www.khabaronline.ir، ۱۳۹۰/۶/۱۶.
۶. تولایی، محمد (۱۳۸۸). *پیش درآمدی بر جنگ نرم (مفهوم‌شناسی، کارکردها و روشها)*. فایل PPT.
۷. داداندیش، پروین و احدی، افسانه (۱۳۹۰). «جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه روابط خارجی*. س سوم. ش اول. بهار.
۸. دادرویش، رضا (۱۳۸۴). *کتاب امریکا (۶): ویژه دیپلماسی عمومی در امریکا*. تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۹. دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۷). «جایگاه قدرت نرم در انقلاب اسلامی ایران». *فصلنامه حضور*. ش ۵۷.
۱۰. رهجو، علی. جغرافیای قدرت نرم ایران. *سایت مشرق نیوز*، www.mashregnews.ir، کد مطلب: ۷۱۶۲۱، ۱۳۹۰/۷/۲۸.
۱۱. ستوده تهرانی، حسن (۱۳۳۶). *تاریخ دیپلماسی عمومی*. جلد اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. سنایی‌راد، رسول. قدرت نرم ایران در لبنان. *باشگاه اندیشه*؛ www.bashgah.net، کد مطلب: ۱۰۷۹، ۱۳۸۹/۸/۵.

۱۳. لنون، الکساندر تی.جی. (بی.تا). کاربرد قدرت نرم، با مقدمه دکتر اصغر افتخاری. ترجمه سید محسن روحانی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
۱۴. محمدطاهری، مهدی. دیپلماسی عمومی و جایگاه آن در دیپلماسی جمهوری اسلامی، www.moazeh.net سایت حزب الله، ۱۳۹۰/۷/۲۹.
۱۵. نای، جوزف اس. (۱۳۸۹). قدرت نرم ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل، با مقدمه دکتر اصغر افتخاری. ترجمه سید محسن روحانی - مهدی ذوالفقاری. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
۱۶. نای، جوزف. اس. (۱۳۸۸). «قدرت نرم و رهبری». ترجمه عسگر قهرمانپور. فصلنامه عملیات روانی. ش ۲۱. بهار.
۱۷. نجفی، محمدصادق. لبنان و قدرت نرم ایران. سایت کوكب هدايت؛ www.kokabehedayatblogfa.com، ۱۳۸۹/۷/۲۷.
۱۸. یاسوشی، واتانابه و دیویدال، مک کانل (۱۳۸۹). دیپلماسی عمومی، جامعه مدنی و قدرت نرم: مطالعه موردی ژاپن و ایالات متحده. پیشگفتار جوزف اس. نای؛ با مقدمه دکتر اصغر افتخاری. ترجمه سید محمد روحانی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).